[وجوب عمل به سنت رسول اللهص   
و كفر كسى كه آن را انكار كند](http://www.ahlesonnat.net/publish/article_162.shtml)

**تأليف  
علامه عبدالعزيز بن عبدالله بن باز**

**ترجمهاسحاق دبيرى**/

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | وجوب عمل به سنت رسول اللهص و کفر کسی که آن را انکار کند | | | |
| **عنوان اصلی:** | وجوب العمل بسنة الرسول صلى الله عليه وسلم وكفر من أنكرها | | | |
| **تألیف:** | علامه عبدالعزیز بن عبدالله بن باز | | | |
| **ترجمه:** | اسحاق دبیری/ | | | |
| **موضوع:** | حدیث و سنت – تاریخ و اصول علم حدیث و رجال | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست

[فهرست ‌أ](#_Toc434998021)

[مقدمه مترجم 1](#_Toc434998022)

[مقدمه مؤلف 5](#_Toc434998023)

[أصل دوم: 8](#_Toc434998024)

مقدمه مترجم

إنَّ الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبهعم بإحسان إلى يوم الدين أمابعد:

علم حدیث و سنت رسـول اللهص علمی است که بوسیلۀ آن أقوال و أفعال و أحوال و کردار پیغمبرص شناخته مى‌شود.

سنت یعنی چه؟

در لغت: روش خوب و بد سنت گفته مى‌شود چنانکه رسول اللهص فرمودند: «من سنَّ سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها إلى يوم القيامة، ومن سنَّ سنة سيئة فعليه وزرها ووزر من عمل بها إلى يوم القيامة». [مسلم].

کسى که سنت و روش خوب بنیان نهد أجر و پاداش آن سنت و پاداش کسى که به آن عمل کند، تا روز قیامت به او میرسد، و کسى که سنت و روش بدی بنیان نهد گناه آن کردار و گناه کسی که آن کار بد را انجام مى‌دهد تا روز قیامت به بانی آن مى‌رسد.

در اصطلاح محدثین: مجموعه گفتار و کردار و تأیید و وصف کیفیت خَلْقی و خُلُقی ثابت شده از پیغمبرص چه قبل از بعثت، و چه بعد از آن، سنت گفته مى‌شود.

در اصطلاح أصولیین: قول، فعل، و تقریر یعنی أحـوال نقل شده از رسول اللهص سنت نام دارد.

مثال قـول: گفتار پیامبرص در هر مناسبتی، و آنچه متعلق است به شرح أحکام چنانکه فرمودند: «إنَّما الأعمال بالنيات». [متفق علیه].

در حقیقت اعمال و کردار به نیت بستگى دارد.

مثال أفعال و کردار: آنچه صحابه از أفعال و کردار رسول اللهص در عبادات و غیره مانند أدای نماز و بجای آوردن حج و آداب روزه و حُکم و قضاوت کردن در کیفرها و عقوبت‌ها و مجازات إلهی نقل کرده‌اند .

مثال تقریر پیغمبر: اگر از صحابه فعلی صادر مى‌شد و پیامبرص در برابر آن سکوت مى‌کرد، و یا آن را تأیید مى‌نمود، و یا اینکه آن کار را تمجید مى‌کرد، این چیز تقریر نام دارد.

بحث در سنت مصطفیص أمری بسیار با أهمیت است، و سنت یکی از مصادر تشریع إسـلامی است، خصوصاً وقتی مى‌بینیم دشمنان إسلام برای أمت إسلامی توطئه مى‌کنند و مى‌خواهند در مورد سنت مصطفیص در دل مسلمانان شک و تردید ایجاد نمایند، زیرا ما در عصری هستیم که نظام عالم مضطرب و آشفته است و از ایجاد راه حلی صلح آمیز برای جهانیان عاجز مانده است.

و عقیدۀ ما مسلمانان بر این است که هیچ راهی برای سعادت دنیوی و أخروی وجود ندارد بجز رجوع به تعالیم مبین إسـلامِ پاک از تحریف و تبدیل و تغییر، چنانکه رسالت محمدی آن را برای ما از نزد خداوند آورده است.

مصادر تشریع إسلامی در بین مسلمانان ظاهر و آشکار و محفوظ و معروف است.

و جای هیچ شک و تردیدی نیست که سنت مطهر پیامبر إسلامص دومین مصدر تشریع بعد از کتاب‌خدا قرآن مى‌باشد، زیرا غالباً قرآن شامل قواعد عامه و أحکام کلی در تشریع إسلامی است، و سنت مطهر شرح دهنده این قواعد و کلیات مى‌باشد.

این برای کسی واضح و روشن مى‌گردد که دسترسی به سنت مطهر رسول اکرمص را دارد و آن را در معرض عمل قرار داده است.

در قـدیم سنت مطهر از طرف فرقه‌های گمراه و ملحد مورد حمله قرار گرفته، همچنین در عصر حاضر نیز مورد هجوم بعضی از مستشرقین و خاورشناسان متعصب و مبلّغین دین یهود و نصاری و استعمار زده قرار گرفته، آنهم برای ایجاد فتنه و هدم این رکن بزرگ و أساس إسلامی است، و متأسفانه بعضی از کسانیکه مسلمان غرب زده‌اند به آنان کمک کرده به سنت مطهر طعنه زده و مى‌زنند، از جمله این مسلمان نمایان نویسنده‌ای بنام أبو ریه مى‌باشد که در کتاب خود (أضواء على السنة المحمدیة) که مصادر و مراجع او بیشتر از آراء معتزله و آراء مستشرقین و از غلات فرقه‌های گمراه إسـلامی است به تشکیک در سنت مطهر رسول اکرمص مبادرت ورزیده است.

و ما به سبب این کتاب را که روشنگر أهمیت سنت مطهر رسول اللهص مى‌باشد، برای فارسی زبانان جهان ترجمه کرده تا اینکه بتوانند با خواندن و مطالعه آن به أهمیت سنت مطهر پـی برند، ناگفته نماند که أیـن کتاب که: (وجوب العمل بسنة الرسولص وکفر من أنکرها)، (وجوب عمل به سنت رسول اللهص و کفر کسى که آن را انکار کند) نام دارد از نوشتۀ عالم و دانشمند بزرگ إسلامی علامه الشیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز مفتی عام عربستان سعودی است.

امیدواریم توانسته باشیم بوسیلۀ ترجمۀ این کتاب خـدمتی به دین مبین إسلام کرده باشیم. قبلاً از خوانندگان محترم از اشتباهات احتمالی در ترجمه و چاپ پوزش مى‌طلبیم، چون کسی بجز أنبیاء و پیامبران علیهم الصلاه والسلام معصوم نیست. و بشر مایه اشتباه است.

از خداوند مسئلت داریم که آن را خاص برای رضای و خشنودی خود قرار دهد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحبه.

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصـلاة والسلام على عبده ورسوله نبينا محمد المرسل رحمة للعالمين وحجة على العباد أجمعين وعلى آله وأصحابه الذين حملوا كتاب ربهم سبحانه وسنَّة نبيهمص إلى من بعدهم بغاية الأمانة والإتقان والحفظ التام للمعانى والألفاظ وأرضاهم وجعلنا من أتباعهم بإحسان.

   أما بعد:

علمای إسلام در قدیم و جدید اتفاق کرده‌اند که أصول و أساس معتبر در إثبات احکام شرعی و بیان حلال و حرام در درجۀ أول قرآن کتاب‌خدا است که: ﴿لَّا يَأۡتِيهِ ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِ﴾ [فصلت: 42].

[باطل از هیچ سمت و سو در آن راه نمى‌یابد].

سپس سنت رسول اللهص که از هوی و هوس صحبت نمى‌کند، بلکه وحی است که خداوند بر او نازل فرموده است.

سپس إجماع علمای أمت إسلامی است.

وعلماء در أصول دیگر اختلاف کرده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها قیاس مى‌باشد.

و جمهور أهل علم بر این هستند که قیاس حجت است اگر شروط معتبر آن کامل باشد.

و دلیل بر این أصول بسیار است که شمارش نمى‌توان کرد و شهرتش بیش از آن است که ما آن را در اینجا ذکر کنیم.

أما أصل أول: قرآن کتاب‌خدا است که در بعضی از جاها این کتاب به وجوب إتباع و پیروی و تمسک و چنگ زدن به آن، و توقف کردن در حدود قوانین إلهی دلالت مى‌کند.

خداوند مى‌فرماید: ﴿ٱتَّبِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ وَلَا تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۗ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٣﴾ [الأعراف: 3].

[از آنچه از(جانب) پروردگارتان به سوی شما فروفرستاده شده است، پیروی کنید به جای او از دوستان(و سرورانِ دیگر) پیروی می‌کنید. چه‌اند ک پند مى‌پذیرید].

و مى‌فرماید: ﴿وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ فَٱتَّبِعُوهُ وَٱتَّقُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٥٥﴾ [الأنعام: 155].

[و این کتابی مبـارک است که ما آن را نـازل کرده ایم، پس از آن پیروی کنید و پروا دارید تا مورد رحمت قرار گیرید].

و همچنین مى‌فرماید: ﴿قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٞ وَكِتَٰبٞ مُّبِينٞ ١٥ يَهۡدِي بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ وَيُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِهِۦ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٦﴾ [المائدة: 15-16].

[به راستی از طرف خدا برای شما نور و کتابی روشن آمده است. خداوند با آن کسی را که خشنودی او را بجوید به راه‌های نجات هدایت مى‌کند و آنان را به توفیق خود از تاریکى‌ها به سوی نور بیرون مى‌برد و آنان را به راه راست هدایت مى‌کند].

و مى‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلذِّكۡرِ لَمَّا جَآءَهُمۡۖ وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٞ٤١ لَّا يَأۡتِيهِ ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِۦۖ تَنزِيلٞ مِّنۡ حَكِيمٍ حَمِيدٖ٤٢﴾ [فصلت: 41-42].

[بى گمان کسانى که قرآن را ـ چون به آنان رسید ـ انکار کردند (از ما نهان نیستند) و به راستی آن کتابی گرانقدر است. باطل از هیچ سمت و سودر آن راه نمى‌یابد از(سوی) فرزانه ستوده فروفرستاده شده است].

و همچنین خداوند مى‌فرماید: ﴿وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِۦ وَمَنۢ بَلَغَۚ﴾ [الأنعام: 19].

[و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما را و کسی را که (پیامش) به او برسد، بیم دهم].

و همچنین مى‌فرمایـد: ﴿هَٰذَا بَلَٰغٞ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُواْ بِهِ﴾ [إبراهیم: 52].

[این پیام رسانى‌ای برای مردم است و تا به آن هشدار یابند]. و آیات در این معنا زیاد است.

و أحادیث صحیح و ثابت از رسول اللهص وارد شده که به تمسک و چنگ زدن به قرآن و اعتصام و پیروی از آن أمر مى‌فرماید، و دلالت مى‌کند که هرکس به آن تمسک و چنگ بزند بر هدایت است، و هرکس آن را ترک کند بر گمراهی است.

و از دلایل آن خطبۀ حجة الوداع است که رسول اللهص چنین مى‌فرماید: «إنّي تارك فيكم ما لن تضلوا إن اعتصمتم به كتاب الله». [مسلم].

من بین شما چیزی گذارده‌ام که اگر به آن اعتصام کرده و چنگ بزنید و عمل کنید هرگز گمراه نخواهید شد، و آن کتاب خدا(قرآن) است.

و همچنین در صحیح إمام مسلم از زید بن أرقمس روایت است که رسول اللهص فرمود: «إنّي تارك فيكم الثَّقَلَين أولهما كتاب الله فيـه الهُدى والنور فخذوا بكتاب الله وتمسكوا به».

من بین شما دو چیز سنگین و عظیم به أمانت گذارده‌ام یکی کتاب‌خدا است، هدایت و پیروزی و نور در آن است، آن را محکم بگیرید و به آن چنگ بزنید.

پس مردم را بسوی کتاب‌خدا تحریک و تشویق نمود سپس فرمود: و أهل بیت را میان شما مى‌گذارم، دربارۀ أهل بیتم از خدا بترسید، و آن را دو بار تکرار کرد.

و در لفظ دیگر: قرآن ریسمان خدا است، کسى که به آن تمسک ورزد و چنگ بزند او بر راه راست هدایت خواهد بود، و کسى که آن را ترک کند بر گمراهی است.

إجماع علماء و مؤمنین أعم از صحابه و آنانیکه بعد از آن‌ها آمده‌اند در مورد وجوب تمسک به کتاب‌خدا و حُکم و قضاوت به آن همراه سنت رسول خداص کافی است، و نیازی به آوردن دلائل در این مورد و طولانی کردن مطلب نیست.

أصل دوم: از أصول سه گانه که علمای إسلام بر آن اتفاق و إجماع دارند سنت صحیح رسول اللهص است، و کسانیکه بعد از رسول اللهص آمده‌اند به آن أصل و أساس إیمان آورده و آن را حجت قرار داده و به أمت محمدی آموزش داده‌اند ، و کتاب‌های بسیاری در این باره تألیف کرده‌اند ، و آن را در کتاب‌های أصول فقه، و مصطلح حدیث بیان نموده‌اند.

و دلایل در این‌مورد بسیار زیاد است بطوریکه نمى‌توان آن‌ها را در حصر و شمار آورد، بعضی از این دلایل در کتاب خداوند، قرآن مجید وارد شده‌اند و دستور به پیروی و اطاعت از رسول خداص مى‌دهند و مورد خطاب این دستورات أمت رسول خداص در عصر او و کسانى که بعد از او مى‌آیند، قرار مى‌گیرد.

زیرا او برای تمامی جهانیان فرستاده شده و آن‌ها مأمورند تا روز قیامت تابع و پیرو او باشند، و اوص مفسر و بیان کننده قـرآن است، و مبهم آن با أقوال و کردار و تقریرات او بیان شده است.

و اگر سنت پیامبرص نبود مسلمانان تعداد رکعات نماز، چگونگی آن، و واجبات نماز را نمى‌دانستند، و تفصیل و شرح أحکام روزه، و زکات، و حج، و جهاد در راه‌خدا، و أمر به معروف و نهی از منکر را نمى‌دانستند، و شرح أحکام معاملات از خرید و فروش، و محرمات از حلال و حرام، و واجبات را در مورد کیفرها و مجازات‌های شرعی نمى‌دانستند.

و از جمله آیاتی که در این باره نازل شده خداوند مى‌فرماید: ﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٣٢﴾ [آل عمران: 132].

[و از خدا و رسولِ(او) فرمان برید تا مشمول رحمت قرار گیرید].

و مى‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ٥٩﴾ [النساء: 59].

[ای مؤمنان، از خداوند اطاعت کنید و از رسول (او) و صاحبان امرتان (هم) اطاعت کنید هرگاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک‌انجام‌تر است].

و مى‌فرماید: ﴿مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَۖ وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗا ٨٠﴾ [النساء: 80].

[هرکس از رسولِ(خدا) اطاعت کند، در حقیقت از خداوند فرمان برده است. و کسى که روی گرداند، (بدان که) تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم].

چگونه ممکن است طاعت او و بازگردانیدن آنچه مردم در آن اختلاف کرده‌اند به کتاب‌خدا و سنت رسول اللهص باشد اگر احتجاج به سنت رسول اللهص نشود؟ یا اینکه تمام سنت محفوظ نباشد؟ و بنابراین قول بارى تعالی بندگان خود را بر چیزی ارجاع داده که وجود ندارد! و این از باطل ترین و پوچ ترین دروغ‌ها است، و از بزرگترین کفرها به خدا و سوء ظن به اوست.

خداوندمى فرماید: ﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: 44].

[و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که بر آنان فروفرستاده شده است، و باشد که اندیشه کنند].

و همچنین مى‌فرماید: ﴿وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٦٤﴾ [النحل: 64].

[و کتاب را بر تو فروفرستادیم مگر(از آن روی) تا آنچه را که در اختلاف ورزیدند، برایشان روشن سازی و(نیز برای) راهنمایی و بخشایش برای گروهی که ایمان مى‌آورند].

پس چگونه خداوند بیان قرآن نازل شده را به رسـول اللهص واگذار مى‌کند، اگر سنت وجود نداشته باشد، یا اینکه حجت و ثابت نباشد!

مثال این خداوند مى‌فرماید: ﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٥٤﴾ [النور: 54].

[بگو: از خداوند فرمان برید و از رسول(او نیز) فرمان برید. و اگر روی بگردانند، بر(عهده) او(پیامبر) تنها همان است که به آن مکلّف شده است و بر(عهده) شماست آنچه تکلیف یافته اید. و اگر از او فرمان برید راه خواهید یافت. و بر(عهده) رسولِ(ما) جز پیام رسانی آشکار نیست].

و مى‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٥٦﴾ [النور: 56].

[و نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و از رسولِ(خدا) فرمان برید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید].

و خداوند مى‌فرماید: ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَ‍َٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِيِّ ٱلۡأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ١٥٨﴾ [الأعراف: 158].

[بگو:‌ای مردم، من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم، کسى که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست، معبود(حقی) جز او نیست، زنده مى‌کند و مى‌میراند. پس به خداوند و رسول او، آن پیامبر درس ناخوانده‌ای که به خداوند و سخنان او ایمان دارد، ایمان آورید و از او پیروی کنید، باشد که راه یابید].

و در این آیات دلیل واضحی است که هدایت و رحمت در إتباع و پیروی از رسول اللهص **مى‌**باشد.

و این چگونه ممکن است با عمل نکردن به سنت او؟ یا اینکه گفته شـود سنت او صحیح نیست! و یا گفته شود نمى‌توان بر آن سنت اعتماد کرد!

و مى‌فرماید: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

[پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار مى‌کنند از آن برحذر باشند، که بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبانگیرشان شود].

و خداوند مى‌فرماید: ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ﴾ [الحشر: 7].

[(در اینجا یک قاعدۀ مهم مقرر داشته و آن تبعیت رهبر مسلمین از نصوص شریعت) و آنچه که رسولِ(خدا) به شما بدهد، آن را بگیرید. و از آنچه که شما را از آن باز دارد، باز آیید].

و آیات در این موضوع و مطلب بسیار است و همۀ آن‌ها بر وجوب اطاعت رسول اللهص و بر پیروی از آنچه او آورده دلالت مى‌کنند، چنانکه قبلاً دلیل بر وجوب إتباع کتاب‌خدا و تمسک به آن طاعت و أوامر و نواهی ذکر کردیم، و این دو أصل و أساس ملازم و وابسته به هم هستند و از هم جدا شدنی نیستند، هرکس یکی از آن دو را انـکار کند ماننـد اینکه دیگری را انکار و دروغ دانسته، و این به إجماع أهل علم و إیمان کفر و گمراهی و خروج از دایرۀ إسلام مى‌باشد.

و أحادیث در وجوب اطاعت رسول خداص و اتباع و پیروی از آنچه آورده و تحریم معصیت او بطور متواتر وارد شده است؛ و آنهم در حق کسیکه در زمان او بوده و بعد از او تا روز قیامت خواهد آمد.

و از جمله این أحادیث، حدیث أبى هریرهس که رسول اللهص فرمودند: «من أطاعني فقد أطاع الله ومن عصاني فقد عصى الله». [متفق علیه].

کسى که از من اطاعت کند، مانند اینکه از خدا اطاعت کرده، و کسى که از من نافرمانی کند، مانند اینکه خدا را معصیت و نافرمانی کرده است.

و همچنین أبوهریره روایت مى‌کند که رسـول اکرمص فرمودند: «كل أمتي يدخلون الجنّة إلاَّ من أبى قيل يا رسول الله ومن يأبى قال: من أطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد أبى». [البخاری].

همه أمت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه خود از دخول آن امتناع ورزد، گفته شد‌ای رسول الله چه کسی است که از دخول آن امتناع مى‌ورزد؟ فرمود: کسى که از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسى که از من نافرمانی کند، او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است.

و أحمد و أبوداود و حاکم با إسناد صحیح از رسـول اللهص فرمودند: «ألا إنّي أوتيت الكتاب ومثله معه، ألا يوشك رجل شبعان على أريكته يقول عليكم بهذا القرآن، فما وجدتم فيه من حلال فأحلوه، وما وجدتم من حرام فحرّموه». [أحمد، أبوداود، حاکم، با سند صحیح].

همانا به من قرآن، و مِثل و مانند آن (یعنی: سنت رسول الله ص) داده شده است، همانا بزودی مردی سیر خورده و تکیه زده بر متکا و بالشت خود که بگوید: بر شماست که فقط پیرو قـرآن باشید، و هر چه در آن از حلال یافتید، پس آن را حلال بدانید، و آنچه در آن از حرام یافتید، آن را حرام بدانید[[1]](#footnote-1).

أبو رافع ازپدرش روایت مى‌کند که رسول اللهص فرمودنـد: «لا ألفين أحدكم متكئاً على أريكته يأتيه الأمر من أمري مما أمرتُ به أو نهيتُ عنه فيقول لا ندري، ما وجدنا في كتاب الله اتبعناه».

[أبوداود وابن ماجه با سند صحیح].

نبینم که یکی از شما بر بالشت خود تکیه زده و أمری از أوامری که من به آن أمر کرده ام، و یا از آن نهی کرده ام بر او آید و او گوید: نمى‌دانم! فقط آنچه در کتاب‌خدا پیدا کردیم قبول خواهیم کرد.

و حسن بن جـابر از مقدام بن معدی کربس روایت مى‌کند که مى‌گوید: «حرّم رسول اللهصيـوم خيبر أشياء ثم قال يوشك أحدكم أن يكذبني وهو متكئ يحدِّث بحديثي فيقول بيننا وبينكم كتاب الله فما وجدنا فيه من حلال استحللناه، وما وجدنا فيه من حرام حرمناه، ألا إنَّ ما حرّم رسول الله مثل ما حرّم الله». [ترمذی وابن ماجه وحاکم].

رسول اللهص روز غزوه خیبر چیزهائی را حرام کرده، سپس فرمود: پیدا مى‌شود یکی از شما که مرا تکذیب کند در حالیکه بر بالشت خود تکیه زده و از سخنان من صحبت مى‌کند، سپس مى‌گوید: بین ما و شما کتاب‌خدا است، هر چه در آن حلال یافتیم، آن را حلال مى‌دانیم، و آنچه در آن حرام یافتیم، آن را حرام مى‌دانیم، بدانید که همانا آنچه رسول اللهص حـرام کرده مانند آن چیزی است که خداوند آن را حرام فرموده است.

و أحادیثی بطور متواتر از رسول اللهص ثابت است که در خطبۀ خـود وصیت مى‌فرمود که: حاضرین به غائبین ابلاغ کنند، و مى‌فرمود: ممکن است ابلاغ شده‌ای برداشت بیشتر و دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

و از آن أحـادیث متواتر: حدیثی در صحیحین است که رسول اللهص در حجه الوداع در خطبۀ خود در روز عرفه و روز عید قربان برای مردم چنین فرمودند: أفراد حاضر به أفراد غائب برسانند زیرا ممکن است کسى که به او ابلاغ شود دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

پس اگر سنت او بر شنوندگان و ابلاغ شدگان حجت نبود، و اگر سنت او تا روز قیامـت باقی نمى‌ماند، به آن‌ها دستور تبلیغ داده نمى‌شد.

پس معلوم مى‌شود که دلیل بودن و حجت بودن سنت او همچنان پا بر جا است، بر شنونده‌ای که از زبان رسول اللهص شنیده، و بر کسى که برای او با أسانید صحیحه نقل شده است.

و أصحاب و یاران پیامبرص سنت قولی و فعلی او را حفظ کرده‌اند و همچنین تابعین، سپس تابعین آن را ابلاغ کرده‌اند به نسل بعدی خود، و همچنین علماء و دانشمندان ثقه که گفتار آنان مورد اعتماد مى‌باشد نسل بعد از نسل، و قرن بعد از قرن نقل کرده‌اند.

و آن را در کتاب‌های خود جمع آوری و بیان کرده‌اند و صحیح و ضعیف آن را بیان کرده‌اند .

و برای شناخت احادیث صحیح و ضعیف قوانین و ضوابط معیـنی بین خود قرار داده‌اند تا بوسیلۀ این قوانین صحیح و ضعیف أحادیث شناخته شوند.

و علماء و دانشمندان، کتاب‌های سنت أعم از صحیح بخاری و مسلم و کتاب‌های دیگر را بخوبی و بطور کامل حفظ کرده‌اند ، همچنانکه خداوند کتاب خودش (قرآن) را طبق وعده اش از بازیچه قرار گرفتن، و الحاد، و کفر کافران، و تحریف و تغییر یاوه گویان حفظ نموده است، چنانکه مى‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾ [الحجر: 9].

[بى گمان ما قرآن را فروفرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم].

و جای هیچ شک و تردیدی نیست که سنت رسول اللهص وحی نازل شده است، و خـداوند آن را حفظ فرموده، چنانکه کتاب خود قرآن را حفظ فرموده، و بارى تعالی برای آن سنت علمائی نقّاد و جداکنندۀ خوب از بد برانگیخته که تحریف و تغییر و تبدیل باطل اندیشان و یاوه گویان، تعبیر و تفسیر جـاهلان را از آن دور مى‌کنند، و هر آنچه را که دروغگویان نادانان و ملحدان به آن چسیانیده‌اند دور مى‌کنند، زیـرا بارى تعالی آن را تفسیری برای قرآن کتاب خود، و بیان آنچه مبهم و مشکل است از احکام قرار داده، و ضمن آن احکام دیگری است که نص آن در قرآن وارد نشده، مانند تفصیل و شرح احکام دوران شیرخوارگی بچـه ها، و بعضی از احکام میراث، و تحریم جمع بین زن و عمۀ او، و بین زن و خـالۀ او، و غیر از این از احکام که در سنت صحیح رسول اللهص وارد شده و در قرآن از آن ذکری نیست.

ذکر بعضی از آنچه از صحابه و تابعین و أهل علم و دانش در تعظیم سنت رسول اللهص و وجوب عمل به آن وارد شده در صحیحین از أبو هریرهس روایت است که گفت وقتی رسول اللهص دنیا را وداع گفتند بعضی از عرب کافر شدند، أبوبکرس گفت: سوگند به خدا که جنگ خواهم کرد با کسیکه بین نماز و زکات فرق گذارد، عمر بن الخطابس به او گفت: چگونه با آنان جنگ مى‌کنی در حالیکه رسـول اللهص فرمودند: «أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلاَّ الله فإذا قالوها عصموا منّي دماءهم وأموالهم إلاَّ بحقها». [متفق علیه].

مأمور شده ام با مردم بجنگم تا اینکه بگویند: لا إله إلاَّ الله: معبود بحقی بجز خدای یکتا نیست، پس اگر آن را گفتند جان، و مال آن‌ها، بجز به حق آن[[2]](#footnote-2) از من حفظ مى‌شود.

و أبوبکر صدیقس گفت آیا زکات از حق آن نیست؟ سوگند بـه خدا اگر گردنبند شتری که به رسول اللهص مى‌دادند از من منع کنند به خاطر منع آن، با آنان جنگ خواهم کرد، عمرسگفت در نتیجه دانستم که خداوند سینه و قلب أبوبکر را برای جنگ روشن کرده و دانستم که او بر حق است.

و صحابهش رأی و مشورت أبوبکرس برای قتال أهل ردت را قبول کردند و با او به جنگ پرداختند تا اینکه آنان را به إسلام برگردانند، و کسى که بر آن اصرار کرد او را کشتند.

و این قصه برای تعظیم و بزرگداشت سنت رسول اللهص و وجوب عمل به آن واضح ترین دلیل است.

مادر بزرگی بسوی أبوبکر آمد و از میراث خود سـؤال کرد، أبوبکرس به او جواب داد که در کتاب‌خدا حقی برای تو در این باره وارد نشده، و نمى‌دانم که رسول اللهص در این مسأله قضاوتی کرده باشد، و از مردم سؤال خواهم کرد، سپس از صحابهش سـؤال کرد و بعضی از آن‌ها شهادت دادند که رسول اکرمص مادر بزرگ را سهم یک ششم داده، پس أبوبکرس به آن قول قضاوت کرد.

عمرس عاملان خود را وصیت مى‌کرد که بین مردم با کتاب‌خدا قضاوت و حکم کنند، و اگر در کتاب‌خدا آن حکم را نیافتند به سنت رسول اکرمص رجوع کنند، و وقتی در بارۀ سقط جنین که در شکم مادر مرده است به سبب تعدی و ظلم به او اشکال پیدا کرد از صحـابهش سؤال کرد، محمد بن مسلمه و المغیرة بـن شعبهب نزد او گوهی دادند که رسول اللهص دربارۀ این به آزاد کردن کنیزی و یا برده‌ای قضاوت کرده، پس عمرس به آن حکم قضاوت کرد.

و وقتی عثمانس حکم عزاداری زنی که شوهرش فوت کرده را نمى‌دانست کجا باید عزادار باشد، فریعه دختر مالک بن سنان خواهر أبوسعید الخدریببه او خبر داد: رسول اللهص به او أمر فرمودند بعد از وفات شوهرش در خانه اش عزاداری کند تا اینکه حداد و عزای او تمام گردد پس عثمانس به همان حکم قضاوت کرد.

و همچنین در اجرای کیفر و عقوبت و مجازات و شلاق زدن بر شراب خواری ولید بن عقبه به سنت پیامبرص قضاوت کرد.

و وقتی به علیس خبر رسید که عثمانس از حج تمتع منع مى‌کند، علیس حج تمتع انجام داد ـ یعنی به حج و عمره با هم لبیک گفت ـ و فرمود: سنت رسول اللهص را به خاطر قول و سخن یک نفر ترک نمى‌کنم.

و وقتی بعضی از مـردم بر عبدالله بن عباسبدر مورد حج تـمتع اعتراض کردند و گفتند: أبوبکر و عمر به حج إفراد تشویق کرده و آن را مقدم مى‌دانستند، عبدالله بن عباسبگفت: مى‌ترسم که سنگ‌هایی از آسمان بر شما پرتاب شود، من مى‌گویم رسول اللهص چنین فرمودند، و شما مى‌گوئید أبوبکر و عمر چنین گفتند!

پس کسى که به خاطر قول أبوبکر و عمر با سنت مخالفت نماید، بیم آن مى‌رود که دچار عذاب شـود، پس حال کسانیکه به خاطر قول غیر أبوبکر و عمربمجرد به رأی و اجتهاد خــود با سنت مخالفت مى‌کنند، چه خواهد شد؟

و وقتی بعضی از مردم با عبدالله بن عمر بن الخطاببدر مورد بعضی از سنت‌ها اختلاف کردند، عبداللهس گفت: آیا ما مأموریم که تابع عمر باشیم؟

و وقتی مردی به عمران بن حصینبگفت: ما را از کتاب‌خدا قرآن سخن بگو، و او داشت سخن از سنت و حدیث رسول اللهص مى‌آورد عصبانی شد و گفت: سنت بیان کننده و تفسیر کننده کتاب خـداسـت، اگر سنت نبود نمى‌دانستیم که نماز ظهر چهار رکعت است و مغرب سه رکعت است، و صبح دو رکعت است، و تفصیل و شـرح احکام زکات و غیر از این‌ها که در سنت است نمى‌دانستیم.

و أخبار بسیاری از صحابهش در تعظیم شأن سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت به آن وارد شده است.

و همچنین عبدالله بن عمربوقتی روایت کردند که رسول اللهص فرمودند: «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله». [متفق علیه].

کنیزان خدا(زنان مسلمان) را از رفتن به مساجد منع مکنید.

بعضی از پسران او گفتند: سوگند به خدا که آنان را منع مى‌کنیم، پس بر آن‌ها عصبانی شـد و به آنان بدی گفت، و گفت: مى‌گویم رسول اللهص فرمودند، و مى‌گوئید سوگند به خدا آنان را منع مى‌کنیم!

و وقتی عبدالله بن المغفل المزنیس (و او از صحابۀ رسول اللهص مى باشد) دید یکی از نزدیکانش سنگریزه را بر یکدیگر پرتاب مى‌کنند از آن عمل منع کرد و به او گفت رسول اللهص از پرتاب کردن سنگریزه و ریگ نهی فرمودند و فرمودند: این سنگریزه ها چیزی را صید نمى‌کند، و دشمنی را شکست نمى‌دهد، و او را باز نمى‌دارد، ولیکن دندانی را مى‌شکند، و چشمی را بیرون مى‌آورد و کور مى‌کند، سپس او را در وقت دیگری دید که همان کار را انجام مى‌دهد، گفت سوگند به خدا که تا أبد با تو سخن نخواهم گفت، تو را از رسول اللهص با خبر مى‌کنم که از آن نهی فرمودند، سپس دوباره آن را انجام مى‌دهی؟

و إمام بیهقی در کتاب خود (سنن الکبری) از أیوب السختیانی تابعی جلیل روایت مى‌کند که گفت: اگر سنت رسول را برای مردمی بسخـن و گفتار آوردی و او گفت ما را از این واگذار و از قرآن سخن بگو، بدان که آن شخص گمراه است.

و إمام أوزاعی/ گوید: سنت حکم کننده و شرح دهنده کتاب‌خدا است، و مطلق‌های کتاب را مقید مى‌کند و یا به احکامی که در قرآن ذکر نشده مى‌پردازد.

چنانکه خداوند مى‌فرماید: ﴿أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: 44].

و قبلاً گفتار رسول اللهص را ذکر کردیم که فرمودند: «ألا إنّي أوتيت الكتاب ومثله معه». [راجع شود بهص 33ـ34].

همانا به من قرآن و مانند آن داده شده است.

و إمام بیهقی از عامر الشعبی رحمت الله علیه روایت مى‌کند که به بعضی از مـردم گفت: «إنَّما هلكتم في حين تركتم الآثار». [البیهقی].

براستی شما هلاک و گمراه شدید وقتی أثر و سنت صحیح رسول اللهص را ترک کردید.

و إمام بیهقی/ از إمام أوزاعی/ روایت مى‌کند که به بعضی از دوستان و یاران خود گفت: اگر از رسول اکرمص حدیث و سنتی بتو رسید مبادا به غیر از آن سخن بگوئی، زیرا رسول اللهص ابلاغ کننده‌ای از جانب بارى تعالی بود.

و إمام بیهقی از إمام سفیان بن سعید الثوری رحمهما الله روایت مى‌کند که گفت: همانا همۀ علم و دانش علم به سنت و آثار رسول اللهص مى باشد.

و إمام مالک/ به طرف قبر رسول اللهص رو کرد و فـرمود: سخن و گفتار همۀ ما قابل رد است، مگر سخن و گفتار صاحب این قبر که قابل رد نیست[[3]](#footnote-3).

و إمام أبوحنیفه/ گوید: اگر حـدیث و سنتی از رسول اللهص آمد آن را بر سر و چشم مى‌گذاریم.

و إمام شافعی/ گوید: هرگاه از رسـول اللهص حدیث صحیحی روایت کردم و آن را نگرفتم و عمل نکردم شما را گواه مى‌دانم که عقل خود را از دست داده ام.

و همچنین إمام شافعی مى‌گوید: اگر سخن و گفتاری گفتم و حدیث رسول اللهص بر خلاف گفته من بود، پس قول و گفتار مرا به دیوار بزنید.

و إمام أحمد بن حنبل/ به بعضی از یاران خود گفت: مرا تقلید مکنید، و إمام مالک/ را تقلید مکنید، و إمام شافعی را تقلید مکنید، و از آنجائیکه بگیرید که ما آن را گرفتیم، (یعنی از أحادیث پیامبر اکرم ص).

و همچنین إمام أحمد مى‌گوید: تعجب کردم از أقوامی که إسنـاد و صحت إسناد حـدیث رسـول اللهص را دانستنه سپس مى‌روند و رأی سفیان را مى‌گیرند.

و خداوند مى‌فرماید: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

سپس گفت: آیا مى‌دانی فتنه چیست، فتنه شـرک است، ممکن است اگر بعضی از گفتار رسول اللهص را رد کرده قبول نکند در قلب او گمراهی افکنده شود و هلاک گردد.

و إمام بیهقی از مجاهد بن جبر تابعی جلیل روایت مى‌کند در قول خداوند: ﴿فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ﴾ [النساء: 59].

[اگر در بارۀ چیزی اختلاف نمودید برای رفع اختلاف به کتاب‌خدا و سنت رسول اللهص مراجعه کنید تا حل اختلاف از کتاب و سنت بیابید].

گفت: برگردانیدن بسوی خدا یعنی: بسوی کتاب او، و برگردانیدن بسوی رسول یعنی: بسوی سنت اوست.

پس اگر در چیزی اختلاف کردید آن را بسوی خدا و رسول خدا برگردانید.

و إمام بیهقی از محمد بن شهاب زهری/ روایت مى‌کند که گفت: کسانیکه از علماء و دانشمندان ما رفتند و فوت کردند مى‌گفتند اعتصام و پیروی از سنت رسول اللهص نجات و پیروزی است.

و موفق الدین بن قدامه/ در کتاب خود: روضة الناظر در بیان أصول احکام چنین مى‌گوید: أصل و أساس دوم از دلایـل، سنت رسول اللهص مى باشد، و گفتار رسول اللهص حجت است زیرا از دلایل معجزات بر صدق و راستی اوست، و خداوند به طاعت او و تحذیر از مخالفت او أمر فرموده است.

و إمام ابن کثیر/ در تفسیر این آیه گوید: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

یعنی: از أوامر رسول الله ص، آنهم طریقه و راه و روش و سنت و شریعت اوست، پس گفتار و کردار بنى آدم با گفتار و کردار رسول اللهص مقایسه و مطابقت مى‌شود، و آنچه موافق آن بود قبول، و آنچه مخالف آن بود مردود و بر قائل و گوینده او برگردانیده مى‌شود، و آن هم هرکه خواهد باشد.

چنانکه رسول اللهص فرمودند: «من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد». [متفق علیه].

هر کس عمل و کرداری انجام دهد که راه و روش ما بر آن نیست آن عمل و کردار مردود و غیر قابل قبول است.

پس بترسد و برحذر باشد کسى که ظاهراً و باطناً مخالف شریعت رسول اللهص باشد: ﴿أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ﴾.

که به آنان مصیبتی در قلب‌هاى شان از کفر و نفاق و بدعت بوجود آید. ﴿أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾.

یعنی در دنیا به کشتن و یا مجازات و یا زندان و غیر از این‌ها مبتلا شوند.

از إمام أحمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از همام ابن منبه روایت است که أبـوهریره گفت: رسـول اللهص فرمودند: «مَثَلي ومَثَلُكم كمثل رجلٍ اسْتَوْقَدَ ناراً فلمّا أضاءتْ ما حولها جعل الفراشُ و هذِهِ الدوابُّ اللائي يقعْنَ في النَّار يقَعْنَ فيها وجعلَ يحجُزُهُـنَّ ويغْلبْنَهُ فَيقْتَـحِمْنَ فيها قال فذلك مثلي ومثلكم، أنا آخذُ بحجزكم عن النَّار، هلمَّ عن النَّار فتغلبوني وتقتحمون فيها». [متفق علیه].

مَثَلِ من و مَثَلِ شما مانند مردی است که آتشی روشن کرده وقتی اطراف خـود را نورانی و روشن کرد و پروانه ها و حشرات که اطراف آن مى‌گردند در آتش مى‌أفتند، آن مرد جلوگیری مى‌کند و نمى‌گذارد که پروانه‌ها و حشرات در آتش بیفتند ولی بر او غلبه کرده خود را در آتش مى‌أندازند، فرمود: پس این مَثَلِ من و شماست، من کمربند شما را گرفته از آتش دور مى‌کنم، و شما بر من غلبه کرده و هجوم مى‌کنید و خود را در آتش مى‌أندازید.

و إمام سیوطی/در کتاب خود: (مفتاح الجنه فی الاحتجاج بالسنه) (کلید بهشت در حجیت سنت رسول الله ص) چنین مى‌گوید:

(بدانید ـ خدا شما را رحمت کند ـ هرکس حجیت حدیث رسول اللهص قولی و فعلی با شروط معروف آن در أصول دین را انکار کندص کافر مى‌باشد، و از دایرۀ إسـلام خارج است، و روز قیامت با یـهـود و نصـاری و با فرقـه ها و طائفه‌های گمراه و کافر محشور خواهد شد).

و أخبار از صحابه و تابعین و کسانیکه بعد از ایشان آمده‌اند از علماء و دانشمندان در تعظیم سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت آن بسیار زیاد وارد شده است.

و أمید است آنچه در اینجا ذکر شد از آیات و أحادیث و أخبار، برای کسى که حق طلب است کافی و قانع کننده باشد، و از خداوند برای خود و تمامی مسلمانان توفیق به آنچه رضایت آن را دارد مسئلت دارم، و سلامت از أسباب خشم و غضب او، و اینکه تمامی ما را به راه مستقیم هدایت فرماید، او شنوا و نزدیک است.

وصلى الله وسلم على عبده ورسوله نبينا محمد وعلى آله وأصحابه وأتباعه بإحسان.

عبدالعزيز بن عبدالله بن باز

مفتی عام عربستان سعودی و رئيس كبار علماء

و رئيس دايرهء بحث‌های علمی وفتواى شرعی

1. - يعنى  حديث و سنت پيامبرص را قبول نكنيد. [↑](#footnote-ref-1)
2. - يعنى بجز اينكه كارهائى انجام دهند و آن كار موجب شود با آن‌ها بجنگ بپردازم. [↑](#footnote-ref-2)
3. - يعنى قول صحيح او واجب القبول است. [↑](#footnote-ref-3)